در حوالی میدان سرخ

باقی‌ماندن آقای کرملین برمدار قدرت

احمد وخشیته
دانشیار دانشگاه ملی اوراسیا

● این روزها که همه افکار عمومی متمرکز بر کرونا است، کمتر رویداد بین‌المللی شانس آن را دارد که توجه رسانه‌ها را به خود جلب و بازتاب بین‌المللی پیدا کند؛ اما در میانه هیاهوی این ویروس تازه از راه رسیده و آمار روزانه مبتلایان و سیاست‌گذاری‌های پیشگیری از آن در سراسر جهان، چند ده متر آن طرف‌تر از میدان سرخ، در دومای دولتی روسیه طرحی مطرح شد که به موجب آن «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهوری این کشور، می‌تواند برای دو مرتبه متوالی دیگر نیز نامزد ریاست‌جمهوری در این کشور شود.

با این حساب مرد نخست کرملین که تاکنون چهار دوره به طور رسمی سکان قدرت را در دست داشته، از این شانس برخوردار می‌شود که تا سال ۲۰۳۶ نیز در صدر قدرت باقی بماند؛ تا در تاریخ روسیه این رکورد ثبت شود که فردی ۳۲ سال در مقام رئیس‌جمهور بوده است.

چرا دوما قانون را برای باقی‌ماندن پوتین تغییر داد؟

به نظر می‌رسد سرگی نوروف که از اعضای حزب روسیه واحد است، به طور رسمی برای نخستین‌بار اصلاح قانون اساسی برای ابقای پوتین در مقام ریاست‌جمهوری را پیشنهاد داده است. «روسیه واحد» نزدیک‌ترین حزب به ساختار قدرت محسوب می‌شود؛ جریانی سیاسی به ریاست دیمیتری مدودف و نزدیک به پوتین که در انتخابات‌ها به صورت یک جنبش مردمی همواره از او طرفداری می‌کند.

نهایتا این طرح چهارشنبه هفته گذشته با پیشنهاد نمایندگان این حزب به تصویب دوما رسید و پس از آن به دنبال موافقت پارلمان‌های محلی و منطقه‌ای با این لایحه، پوتین به‌عنوان رئیس‌جمهور کنونی، اصلاحیه قانون اساسی را امضا کرد و آن را برای تصویب نهایی به دادگاه قانون اساسی روسیه فرستاد. ازاین‌رو در صورت تأیید نهایی آن از سوی این دادگاه، همه‌پرسی اصلاحیه قانون اساسی باید برگزار شود؛ انتخاباتی که با ظهور ویروس کرونا این سؤال را به وجود آورده که آیا در پایان ماه آوریل برگزار خواهد شد یا خیر؟

دراین‌میان این سؤال اساسی نیز وجود دارد که چرا حزب نزدیک به پوتین این اصلاحیه را مطرح کرد. به نظر می‌رسد که مهم‌ترین دلیل این جریان این است که پس از فروپاشی شوروی، روسیه جدید هنوز به آن میزان از ثبات نرسیده که از آسیب مصون باشد؛ ازاین‌رو با استناد به روند شکل‌گیری امنیت داخلی پس از سال‌های ۲۰۰۰ تاکنون از یک سو و توسعه اقتصادی و نقش‌آفرینی فعال روسیه در حوزه بین‌الملل در دوران پوتین از سوی دیگر، همچنان برخی معتقد هستند که تداوم حضور پوتین به‌عنوان سکان‌دار قدرت، شرط تثبیت ثبات است. البته دراین‌باره پوتین نیز به دوران وجود تنش در آمریکا و حضور چهار دوره متوالی روزولت، بدون هیچ‌گونه ممانعت اشاره دارد و معتقد است که اکنون ثبات روسیه باید در اولویت قرار بگیرد و پس از او این روند به مرحله عادی برخواهد گشت.

مخالفان با #پوتین_تا_۲۰۳۶

به نظر می‌رسد پاشنه‌آشیل محبوبیت پوتین در نوجوانان و جوانانی وجود دارد که میان سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ متولد شده‌اند؛ افرادی که امروز در بازه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال قرار دارند؛ کسانی که از یک سو هرج‌ومرج و سال‌های بحرانی پس از فروپاشی را به خاطر ندارند و از سوی دیگر سطح رفاه زندگی خویش را با اروپای غربی مقایسه می‌کنند؛ روندی که احتمال می‌رود تا انتخابات سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۳۰ بر تعداد آن افزوده شود؛ چراکه جوانان امروز، افراد دهه سی تا چهل سال آن ایام را تشکیل خواهند داد و از سوی دیگر جمعیت جوان تازه‌ای به دامنه شهروندانی که حق رأی دارند، افزوده می‌شود. صفرشدن کنتور ریاست‌جمهوری پوتین، شاید برای این طیف بی‌معنا باشد. همچنین برخی منتقدان نیز بر این باور هستند که اگرچه پوتین در سال‌های پس از به‌قدرت‌رسیدنش به واسطه شعار دیکتاتوری قانون، امنیت و توسعه را به طرز شگرفی توسعه داد؛ اما در روند کادرسازی برای انتقال قدرت و چرخش نخبگان موفق نبوده است.

باوجوداین، عموما میان‌سالان و سالخورده‌های روسی، پوتین را قهرمانی می‌دانند که بر بلبشوی دوران پسافروپاشی پیروز شد و هویت ملی را در کشور احیا کرد. آنها نبود پوتین را به معنای روی‌کارآمدن مدودفی دیگر می‌دانند و به دلیل همین واهمه به دنبال فردی مقتدر هستند که جز پوتین نمی‌یابند. به‌هرحال این نکته نیز تأمل‌برانگیز است که پوتین در انتخابات سال ۲۰۲۴، یک مرد ۷۲ساله و در ۲۰۳۰، ۷۸ساله خواهد بود و در پایان ریاست‌جمهوری خویش ۸۴ سال خواهد داشت. دراین‌میان این پرسش به وجود می‌آید که آیا او همین میزان توان مدیریتی و مهم‌تر از آن مقبولیت مردمی را که شرط موفقیت هر سیاست‌مداری است، خواهد داشت؟

پس از ایام نوروز، در ستون «در حوالی میدان سرخ» بیشتر به فرصت‌ها و چالش‌های باقی‌ماندن پوتین در قدرت خواهم پرداخت.

بازی سیاست‌مداران با ویروس‌ها

در سراسر تاریخ بیماری‌ها همواره آزمونی دشوار برای وفاداری رهبران سیاسی به حقایق بوده‌اند

عکس: رویترز

در ماه‌های آغازین شیوع ویروس کرونا، حکومت‌های کشورهای مختلف تلاش کردند واقعیت را طوری ارائه دهند که بتوانند انتقادها را کنترل و بی‌اثر کنند. نشریه نیویورکر در گزارشی می‌نویسد در چین پس از آنکه لی ونلیانگ، پزشکی در ووهان، توجهات را به این ویروس جلب کرد، پلیس از او به‌دلیل شایعه‌پراکنی انتقاد کرد. وقتی که این پزشک چینی بر اثر همین بیماری درگذشت، حکومت درخواست‌های عمومی در شبکه‌های اجتماعی برای آزادی بیان را سانسور کرد. حتی هفته‌ها بعد از اینکه این ویروس سروکله‌اش پیدا و شیوعش آغاز شد، دولت محلی ووهان به رسانه‌ها دستور داده بود تا اطلاعات را منتشر نکنند و اجازه داد حدود پنج میلیون نفر پیش از اعلام قرنطینه در ۲۲ ژانویه این شهر را ترک کنند. در ایران درحالی‌که دولت این کشور در روزهای نخست اعلام کرده بود فقط ۱۲ نفر بر اثر این ویروس جان باخته‌اند، یکی از مقامات وزارت بهداشت در استان قم به خبرنگاران عدد دیگری را اعلام کرده وقتی ویروس کرونا به آمریکا رسید، موضوع اصلی فریب‌کاری‌های سیاسی قرار گرفت.

بهتر است کمی به عقب برگردیم و نگاهی به تاریخ بیندازیم. ویروسی که این روزها ما آن را با نام آنفلوانزای اسپانیایی می‌شناسیم، در لحظه عجیبی از پیوند سیاست و پروپاگاندا همه‌گیر شد. بهار سال قبل از شیوع آن یعنی در آوریل ۱۹۱۷ آمریکا وارد جنگ جهانی اول شده بود و وودرو ویلسون، رئیس‌جمهور وقت این کشور، برای افزایش محبوبیت و سرکوب انتقادها علیه اقداماتش کمپینی به راه انداخته بود. او کمیته‌ای برای آمار عمومی ایجاد کرد که قرار بود مروج «تبلیغاتی به معنای واقعی کلمه، به معنای تبلیغ ایمان» باشد. ویلسون علاوه بر این قانون فتنه را امضا کرد که به موجب آن «خیانت، بی‌حرمتی، ناسزاگویی یا استفاده از واژگان نامناسب درباره حکومت» یا هر چیز دیگری که مانع اقدامات دولت در جهت جنگ می‌شد، جرم به شمار می‌رفت. دولت آمریکا در سراسر کشور با نصب پوسترهایی از شهروندان خواسته بود «هرکسی را که داستان‌های ناخوشایندی» درباره جنگ بازگو می‌کند، معرفی کنند.

در اوایل ۱۹۱۸، ویروسی که گفتیم -تعداد قربانیانش از مجموع کشته‌شدگان نظامی دو جنگ جهانی بیشتر بود- تعداد زیادی از افراد یکی از پایگاه‌های ارتش آمریکا در کانزاس را درگیر کرده و به‌سرعت در حال سرایت به دیگر پایگاه‌ها بود. جان بری، مورخ آمریکایی، در کتاب «آنفلوانزای بزرگ» خود نوشته است: هم‌زمان با سرایت این ویروس به مردم، مقامات دولتی امور بهداشتی «برای (حمایت) از اقدامات جنگی و ماشین تبلیغاتی که ویلسون ساخته بود (درباره شرایط) دروغ گفتند». یک کشتی جنگی این ویروس را با خود به فیلادلفیا برد و مرگ ملوانان شروع شد، اما از رئیس بخش بهداشت این شهر ویلمر کروسن که بیشتر وابستگی سیاسی داشت تا پزشکی این مرگ‌ها و بیماری را نادیده گرفت و آن را «آنفلوانزا یا بیماری‌ای قدیمی» توصیف کرد، همگی دروغ می‌گفتند. با افزایش تعداد قربانیان، کروسن به مردم اطمینان داد که فیلادلفیا در مسیر مقابله با این اپیدمی قرار گرفته است. برخی رسانه‌ها هم اینجا به کمک کروسن آمدند و این خبر دروغین را منتشر کردند. درحالی‌که بیمارستان‌های محلی دیگر برای پذیرش بیماران ظرفیت نداشتند، رسانه‌هایی مانند Inquirer در تیتری نوشته بود «مراقبت‌های برجسته پزشکی شیوع این بیماری را متوقف کرده است». در هفته‌ای که این تیتر منتشر شد، بیش از ۴۵۰ نفر جان خود را بر اثر این آنفلوانزا از دست دادند.

در نیویورک و لس‌آنجلس هم مقامات در اقدامی مشابه با کروسن، به غلط به مردم اطمینان دادند، تا زمانی که دیگر نمی‌شد واقعیت را پنهان کرد: در شهرها و شهرستان‌ها دیگر تابوت پیدا نمی‌شد و کشیش‌ها سوار بر گاری‌ها در خیابان‌ها از مردم می‌خواستند مردگان خودشان را بیرون بیاورند. در نهایت این بیماری آنفلوانزای اسپانیایی نام گرفت نه به این دلیل که منشأ آن اسپانیا بود، بلکه به این خاطر که وقتی آلفونسوی سیزدهم، پادشاه اسپانیا به این بیماری دچار شد، دیگر رسانه‌های اسپانیایی مجبور نبودند برای گزارش آن به محدودیت‌ها تن دهند.

در سراسر تاریخ بیماری‌ها همواره آزمونی دشوار برای رهبران سیاسی و وفاداری آنها به حقایق بوده‌اند. هووارد مرکل، مورخ پزشکی دانشگاه میشیگان، دراین‌باره گفته است «در هر جایی از سیاست گرفته تا در بازار، پنهان‌کاری تقریبا همیشه به گسترش یک پندمیک (همه‌گیری) و بدترشدن مدیریت بهداشت عمومی منجر شده است. در سال ۱۸۹۲، دولت آلمان از ترس اینکه تعطیلی بندر هامبورگ ضربه اقتصادی عظیمی به این کشور بزند، شیوع وبا را پنهان کرد و به همه‌گیری آن دامن زد. در سال ۱۹۸۲ با گسترش بیماری ایدز در میان مردان همجنس‌گرا، مرکز کنترل و جلوگیری از بیماری‌های آمریکا اعلام همه‌گیری کرد؛ اما وقتی که از سخنگوی رونالد ریگان، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا، خواسته شد تا دراین‌باره اظهارنظر کند، او به یک جوک بسنده کرد؛ هرچند که در نهایت ریگان مجبور شد در سپتامبر ۱۹۸۵ در مقابل عموم مردم از این بیماری بگوید.

امسال وقتی ویروس کرونا به آمریکا رسید؛ درحالی‌که در بسیاری از نقاط جهان قربانی می‌گرفت، حامیان دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور فعلی آمریکا، آن را به‌عنوان سلاحی برای از پا درآوردن دولت و یک سرماخوردگی ساده توصیف کردند. کمی بعدتر بازار سهام سراسر جهان به این ویروس واکنش نشان داد و سقوط کرد. لری کودلو، از مقامات اقتصادی دولت ترامپ، اعلام کرد که برای پیامد احتمالی این‌چنینی آماده‌اند؛ اما این جمله سرمایه‌گذاران را آرام نکرد و بازار سهام آمریکا به سقوط خود ادامه داد؛ به‌ویژه پس از آنکه در واکنش به سخنان کودلو، رئیس مرکز ملی واکسیناسیون و بیماری‌های واگیردار آمریکا به شهروندان این کشور هشدار داد تا برای دوره‌ای از دورکاری و دیگر اقدامات برای جلوگیری از شیوع این بیماری آماده شوند.

مقامات دولت آمریکا بااین‌حال به اقدامات خود برای بی‌اثرکردن هشدار کارشناسان پزشکی و بهداشتی ادامه دادند؛ تاجایی‌که ترامپ در توییتی نوشت: «مراجع اخبار جعلی مثل سی‌ان‌ان هر کاری می‌کنند که تا جای ممکن ویروس کرونا را بد جلوه بدهند... ؛ مانند رفقای دموکرات‌شان که فقط حرف می‌زنند و هیچ عملی ندارند؛ اما آمریکا در وضعیت فوق‌العاده قرار دارد»؛ اما مرجع نگرانی‌ها فقط محدود به دموکرات‌ها نبود. سه‌شنبه گذشته که چاد ولف، وزیر موقت امنیت داخلی آمریکا در جلسه رسیدگی به بودجه شهادت می‌داد، آمار مرگ‌ومیر ناشی از کرونا را به آنفلوانزا تشبیه کرد؛ هرچند که اکنون به نظر می‌رسد دیگر مشخص شده است که ویروس کرونا در مقایسه با آنفلوانزا کشنده‌تر است.

درحال‌حاضر دولت آمریکا برای پرکردن خلأهای موجود در نهادهایی که توانایی مقابله با مدیریت چنین ویروسی را دارند، به‌شدت تحت فشار است. در دو سال گذشته، ترامپ تعداد کارشناسانی را که در سازمان‌های بیماری‌های مسری اورژانسی مشغول بوده‌اند، بسیار کم کرده است. سال ۲۰۱۸ مرکز کنترل و پیشگیری بیماری‌های آمریکا اعلام کرد فعالیتش را در ۳۹ کشور از مجموع ۴۵ کشوری که پیش‌تر در آنها فعال بوده، متوقف می‌کند و به فعالیت در کشورهایی که اولویت محسوب می‌شوند، ادامه می‌دهد که متأسفانه چین یکی از این کشورها نبود. می همان سال جان بولتون، مشاور امنیت ملی وقت آمریکا تیم امنیت بهداشت جهانی را منحل کرد. کارشناسان این نهادها را ترک کردند و تا امروز جای خالی هیچ‌کدام از آنها پر نشده است.

سال ۲۰۱۷ هم‌زمان با صدمین سالگرد شیوع آنفلوانزای اسپانیایی، جان بری نوشت: «مهم‌ترین درسی که باید از وقایع ۱۹۱۸ گرفت، این است که باید واقعیت را گفت. جدای از اینکه صداقت به آمادگی بیشتر جامعه کمک می‌کند، تداوم این صداقت می‌تواند شخصیت و رهبری سیاست‌مداران را در مواجهه با یک بحران تقویت کند».

۱۰ سال از جنگ سوریه گذشت

بحران تمام‌نشدنی سوری‌ها

در دنیایی که این روزها درگیر شیوع جهانی یک ویروس و انتشار سریع اخبار ناگوار است قطعا فکرکردن به اینکه جنگ در سوریه هنوز ادامه دارد، بسیار دشوار است. حتی پیش از اینکه ویروس کرونا زندگی روزانه مردم جهان را درگیر کند، این جنگ که سال ۲۰۱۱ شروع شد، با وجود پیچیده‌تر شدنش از رادارهای جهان خارج شده بود اما با ورود به سال دهم، این جنگ که باعث ظهور گروه داعش و بدترین فاجعه انسانی قرن ۲۱ شد، نشان داده است که هنوز می‌تواند تراژدی‌های جدیدی خلق کند و در عرصه مناسبات سیاسی جهان زنده بماند.

۱۰ سال جنگ در سوریه به مسئله‌ای روزمره برای مردمانی که در آن باقی مانده بودند، تبدیل شده بود تا اینکه تازه‌ترین بحران اقتصادی یکی از سخت‌ترین ضربات را به آنها وارد کرد. سوریه در ماه‌های اخیر کاهش ارزش پول ملی، افزایش قیمت کالاهای اساسی و کمبود انرژی را تجربه کرده است؛ تجربه‌ای که مردم این کشور را در این زمستان سرد در شرایط بسیار بدی قرار داده و باعث افزایش صداهای مخالف شده است.

ماشه سقوط گسترده ارزش لیر سوریه در ماه‌های دسامبر و ژانویه را بحران اقتصادی در لبنان چکاند؛ کشور همسایه‌ای که سیستم بانکی سوریه به‌شدت به آن وابسته است. از ژانویه تاکنون سقوط ارزش لیر سوریه همچنان ادامه داشته است و باعث شده قیمت کالاهای اساسی مثل شکر، چای و سبزیجات به‌شدت افزایش یابد. تمامی مناطق سوریه تحت‌تاثیر این بحران اقتصادی قرار گرفته است اما مناطقی که مستقیما زیر نظر دولت دمشق قرار دارند، به دلیل وابستگی بیش از حد به سیستم بانکی لبنان بیشترین آسیب را متحمل شده‌اند.

کاهش شدید ارزش لیر سوریه و کاهش مداوم سطح زندگی در آن پس از سال‌ها سقوط پایدار وضعیت اقتصادی در این کشور رخ داده است. لیر سوریه با کاهش میزان صادرات، سرمایه‌گذاری مستقیم و از بین رفتن کامل درآمدهای گردشگری ۹۵ درصد ارزش خود را در مقایسه با دوران پیش از جنگ از دست داده است. فقر کمر سوریه را خم کرده است. ۸۳ درصد جمعیت سوریه پیش از تازه‌ترین بحران اقتصادی هم زیر خط فقر قرار داشتند. سوری‌ها اکنون مجبورند بین هزینه‌های معاش و نیازهای فوری پزشکی یکی را انتخاب کنند و دولت در ارائه خدمات مناسب حتی در بیمارستان‌های مهم پایتخت که همواره بهترین خدمات پزشکی را داشتند، عاجز است. پزشکان از کمبود تجهیزات پزشکی می‌گویند و اینکه بیماران مجبورند برای بهره‌مندی از خدمات پزشکی تجهیزات را تهیه کرده و با خود به بیمارستان بیاورند.

بحران انرژی

سوریه امسال زمستان سردی داشت و مانند زمستان سال گذشته با بحران کمبود برق دست‌به‌گریبان بود اما در زمستان امسال به دلیل کمبود شدید سوخت به‌ویژه گاز و بنزین شرایط از سال‌های پیش بدتر بود. مردم دیرالزور درباره این شرایط به Middle East Institute گفته‌اند، گاهی درگیری میان مردمی که در صف‌ها منتظر گاز، بنزین یا حتی نان بودند، منجر به زدوخورد و مرگ می‌شد و پلیس با شلیک تیرهای هوایی آنها را از هم جدا می‌کرد. مردم در دیرالزور که یکی از میدان‌های اصلی جنگ ۱۰ساله سوریه بوده است، در ماه‌های اخیر به دلیل کمبود آب گرم و برق تنها توانسته‌اند یک یا دو بار در هفته حمام کنند. کمبود سوخت علاوه بر این بر سیستم حمل‌ونقل عمومی که به‌صورت گسترده توسط مردم استفاده می‌شود، به‌شدت تأثیر گذاشته است. حالا بسیاری از این افراد که بیشتر آنها را دانشجویان تشکیل می‌دهند، مجبورند حتی در مسیرهای بین‌شهری پیاده تردد کنند. برخی از راننده‌ها ترجیح داده‌اند شغل خود را کنار بگذارند و سایر آنها هم مجبورند سوخت مورد نیاز خود را در بازارهای سیاه جست‌وجو کنند. در این بازارها قیمت‌ها سه‌برابر بیشتر از سوختی است که دولت می‌فروشد.

نابودی اقتصادی و زیرساختی در سوریه در مناطقی که پیش‌تر در اشغال شبه‌نظامیان بوده، بیشتر است. اولویت دولت سوریه در این مناطق تاکنون بازسازی و ارائه مجدد خدمات دولتی به ساکنان آن نبوده است اما فشار سازمان ملل در ماه‌های اخیر باعث شده آب‌رسانی، برق و خدمات بهداشتی در این مناطق بهبود یابد اما در برخی مناطق از جمله در غوطه شرقی حتی حامیان دولت حاکم هم از بدترشدن اوضاع می‌گویند.

سازگاری مردم

در مواجهه با شرایط فعلی، سوری‌ها بر ابتکار و همبستگی خود تکیه کرده‌اند؛ چیزهایی که آنها را در طول جنگ نگه داشته است و تا اینجا رسانده است. مردم سوریه این روزها در تراس‌ها و باغچه‌های خود سبزیجات می‌کارند، تا نیازهای خود را به بازار کمتر کنند. آنها با چوب برای خود اجاق درست کرده‌اند و نان را هم با همین اجاق‌ها می‌پزند. گروه‌هایی در برخی شهرها از خود ساکنان تشکیل شده که خانواده‌های نیازمندتر را شناسایی کنند و با کمک سایر خانواده‌ها تا جای ممکن آنها را حمایت کنند.

سود، فساد و پارتی‌بازی

شرایط اقتصادی بد، ارزش درآمد کارمندان دولت را به‌شدت کاهش داده و آنها را مجبور کرده است نه‌تنها سراغ شغل دوم بروند بلکه به رشوه‌گیری روی بیاورند. کارکنان ادارات سازمان ملل که در سوریه فعال هستند، می‌گویند میلیون‌ها لیری که در قالب کمک سازمان ملل به سوریه ارائه شده، این روزها صرف پرداخت رشوه می‌شود. رشوه‌گیری اکنون به منبع درآمدی در سوریه تبدیل شده که تقریبا در تمامی ادارات و شهرها دیده می‌شود. مردم کارکنان دولت را بزرگ‌ترین رشوه‌گیران این روزهای سوریه می‌دانند و شرایط خوب زندگی برخی از این کارکنان موجی از خشم را در رسانه‌های اجتماعی سوری‌ها و جمع‌های خودشان ایجاد کرده است.

با وجود اینکه برخی از مردم از فشار تحریم‌ها بر اقتصاد سوریه می‌گویند اما اکثر آنها معتقدند که فقدان مدیریت دولتی درست نسبت به تحریم‌ها تأثیر بیشتری بر بروز بحران اقتصادی این کشور داشته است. این شرایط مردمی را که ۱۰ سال گذشته درگیر جنگ بوده‌اند، خسته‌تر کرده است. درحالی‌که دمشق این روزها شرایط وحشتناک اقتصادی را سپری می‌کند، در درعا مردم خسته و ناراضی بازهم به شورش فکر می‌کنند؛ همین‌ها نشان می‌دهد که جنگ در سوریه به این زودی به پایان نمی‌رسد بلکه چالش‌های اجتماعی و سیاسی آن قرار است تا سال‌های سال دامن سوری‌ها را رها نکند.

خبر

لغو انتخابات درون‌حزبی در ایالت‌های آمریکا

● یک روز پس از آنکه ایالت لوییزیانا انتخابات مقدماتی درون‌حزبی را به دلیل شیوع کرونا متوقف کرد، جورجیا نیز این انتخابات را تا ماه می به تعویق انداخت. به گزارش دویچه‌وله، ایالت جورجیا اعلام کرده که به دلیل نگرانی‌های گسترده از انتشار سریع ویروس کرونا، مقام‌های انتخاباتی این ایالت برگزاری انتخابات مقدماتی را تا ماه می به تعویق انداخته‌اند. این تصمیم یک روز پس از تصمیم مشابهی از سوی ایالت لوییزیانا اتخاذ شده است. وزیر امور داخلی ایالت جورجیا گفت: رخدادها سریع اتفاق می‌افتند و اولویت اول ما حفاظت از سلامت همه کارمندان انتخاباتی و در نهایت جامعه است. لوییزیانا نیز اعلام کرده است انتخابات مقدماتی چهار آوریل، ۲۰ ژوئن برگزار خواهد شد. چهار ایالت دیگر که قرار بود در روزهای آتی انتخابات برگزار کنند گفته‌اند طبق برنامه پیش خواهند رفت. رقابت‌های درون‌حزبی دموکرات‌ها اکنون بین جو بایدن، معاون باراک اوباما، رئیس‌جمهور سابق و سناتور برنی سندرز در جریان است. با شیوع کروناویروس در آمریکا، هر دو نامزد کمپین‌های عمومی خود را لغو کرده و به تبلیغات آنلاین روی آورده‌اند. بر اساس گزارش دانشگاه جان هاپکینز، تا روز شنبه تعداد مبتلایان در آمریکا به رقم دو هزار و ۷۰۰ نفر رسید که ۵۰ نفر تاکنون در اثر این بیماری جان باخته‌اند.

همچنین شان کانلی، پزشک کاخ سفید، می‌گوید تست کرونای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا منفی است. ترامپ آخر هفته قبل در ویلای شخصی خود به نام مارالاگو در فلوریدا با هیئتی دولتی از برزیل، از جمله ژائر بولسونارو، رئیس‌جمهور این کشور دیدار کرده بود. حالا معلوم شده بعضی از اعضای این هیئت به ویروس کرونا مبتلا هستند.

ناپدیدشدن منتقد سخنرانی رئیس‌جمهور چین

● یک عضو ارشد حزب حاکم کمونیست چین و مدیر اجرائی سابق یک شرکت دولتی سازنده املاک در این کشور که چندی پیش شی جینپینگ، رئیس‌جمهور چین، را در واکنش به سخنرانی‌اش در ماه گذشته میلادی درباره تلاش‌های دولتش برای مبارزه با کروناویروس «دلقک» خوانده بود، ناپدید شده است. به گزارش ایسنا، به نقل از خبرگزاری رویترز، به گفته سه نفر از نزدیکان او، رن ژیکیانگ، یک عضو حزب حاکم کمونیست چین که سابقا مدیر شرکت دولتی موسوم به «گروه املاک هوایوان» بوده، از ۱۲ مارس تاکنون در دسترس نبوده و کسی نتوانسته با او تماس بگیرد. وانگ‌بینگ، یک زن تاجر و دوست نزدیک رن ژیکیانگ به رویترز گفت: بسیاری از دوستان ما به دنبال او هستند و آنها بسیار نگران شده‌اند.

تعویق محاکمه نتانیاهو به دلیل کرونا

● وزارت دادگستری اسرائیل از موکول‌شدن جلسه محاکمه نخست‌وزیر این رژیم به ۲۴ می به دلیل گسترش کرونا خبر داد. طبق بیانیه این وزارتخانه، قرار بود دادگاه عالی اسرائیل سه‌شنبه هفته جاری کیفرخواست علیه بنیامین نتانیاهو به اتهام فساد را صادر کند، اما این جلسه به دلیل شیوع کرونا ۲۴ می برگزار خواهد شد. در همین راستا، امیر اوحانا، وزیر دادگستری اسرائیل نیز در اقدامی برای پیشگیری از گسترش کرونا، از تعلیق فعالیت تمامی دادگاه‌های سراسر اراضی اشغالی خبر داد. طبق آخرین خبرها، تعداد مبتلایان به ویروس کرونا در فلسطین اشغالی به ۲۰۰ نفر افزایش پیدا کرده است.

شرکت ملی گاز ایران
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

آگهی فراخوان مناقصه

شماره مجوز ۱۳۹۸.۷۹۶۰

نوبت اول

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد خدمات مورد نیاز خود را با شرایط ذیل از طریق مناقصه تامین نماید.

شماره مناقصه	مناقصه شماره ۹۸/۵۰۶۲		
شرح مختصر مناقصه	انجام خدمات بهره‌برداری، تنظیفات صنعتی، نمونه‌برداری، حمل، تخلیه و تزریق مواد شیمیایی پالایشگاه پنجم		
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به میزان ۹/۲۳۴/۸۶۶/۰۰۰ ریال می‌باشد		
نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به صورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین‌نامه تضمین شماره ۱۲۳۴۲۰۲/ت۵۰۶۵۹ه مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات ورزیران می‌باشد تبصره: در صورت ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به صورت وجه نقد، مبلغ نقدی می‌بایست به حساب سیبای شماره ۰۱۱۱۱۱۲۵۲۵۰۰۸ نزد بانک ملی ایران شعبه عسلویه کد ۷۷۲۵ به نام پالایشگاه پنجم شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی واریز و فیش واریزی در داخل پاکت "الف" ارائه گردد		
مبلغ برآوردی مناقصه	۳۶۳/۳۴۳/۲۵۹/۸۱۳ ریال		
مهلت تکمیل اطلاعات در سایت شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی	۱۳۹۹/۰۱/۱۶	تاریخ تحویل اسناد به واجدین شرایط	۱۳۹۹/۰۲/۳۱
آخرین مهلت ارائه پیشنهادات	۱۳۹۹/۰۳/۱۵	تاریخ‌گشایش‌پاکات‌مالی	۱۳۹۹/۰۳/۱۶
آدرس و تلفن مناقصه گزار	استان بوشهر- عسلویه- منطقه ویژه انرژی فارس، شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی، پالایشگاه پنجم، خدمات پیمان‌ها تلفن۶-۷۵۲۱ (داخلی) ۰۷۷۳۱۳۱		

مناقصه‌گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.IETS.MPORG.IR - WWW.TENDER.BAZRESI.IR- WWW.SPGC.IR مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۶-۷۵۲۱(داخلی) ۰۷۷۳۱۳۱ تماس حاصل فرمایند.
توجه: مناقصه گران می بایست از طریق سایت http://tender.spgc.ir (سامانه برگزاری الکترونیکی معاملات و بانک اطلاعات منابع شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی) نسبت به ثبت‌نام اقدام و سپس کلیه فرم‌های ارزیابی صلاحیت مختص این مناقصه را به دقت مطالعه، بررسی و تا قبل از اتمام مهلت مقرر تکمیل نمایند. بررسی ارزیابی کیفی مناقصه‌گران به صورت غیر حضوری و صرفا از طریق سامانه مذکور صورت خواهد گرفت.

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی